

کندوکاوی پیرامون ترجمه و رعایت اصول آن در متون پزشکی

داود حکمت پو^۱

چکیده :

ترجمه در واقع علم و هنر بیان یک زبان به زبان دیگر است. ترجمه علم است چون براساس قواعد زبانشناسی استوار است و رفتاری هنری است زیرا تا حدی زیادی نیازمند طبع نویسندگی، ذوق و خلاقیت است. بنابراین شایسته است مترجم، حین ترجمه هرگونه متنی بویژه متون پزشکی، از زبان مبدأ به زبان مقصد، با کمال دقت و صرف وقت کافی از تمامی زمینه‌های علمی و آموخته‌های خویش با علاقه‌مندی وافر در اثر آفرینی که «حاصل کار ترجمه» شناخته می‌شود، بهره‌گیرد.

کلید واژه‌ها: ترجمه، اصول و قواعد، متون پزشکی

^۱ - کارشناس ارشد پرستاری و کارشناس مترجمی زبان انگلیسی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اراک

□ مقدمه :

همان ساختار زبان است که بعضی آن را مجموعه ساده‌ای از روابط می‌دانند، و بعضی دیگر شبکه درهم پیچیده به هم پیوسته‌ای از فعل و انفعالات متقابل درون زبانی، چندانکه از کل آنها چیزی به دست می‌آید که از فرد فرد آنها حاصل نمی‌شود (۲).

□ تاریخچه:

ترجمه تاریخچه نسبتاً پرسابقه‌ای دارد. اولین آثار ترجمه شده به ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد و به دوران امپراتوری قدیم مصر تعلق دارد و در غرب حدود ۳۰۰ سال قبل از میلاد هنگامی که رومیان قسمت اعظم فرهنگ یونانی را زیر سلطه خود درآوردند، کار ترجمه اهمیت و رونق پیدا کرد. با گسترش مسیحیت کار ترجمه نقش مذهبی و مقدسی در راه انتشار کلام خدا به خود می‌گیرد. در حالی که در قرن نوزدهم ترجمه به عنوان وسیله‌ای یک جانبه جهت ارتباط بین بزرگان ادب و تا حدود کمی بین فلاسفه و دانشمندان و خوانندگان آنها در سراسر جهان به شمار می‌رفت، قرن بیستم به عنوان «عصر ترجمه» نامیده شده است و ترقیات روزافزون علوم و نیاز متکلمین زبانهای مختلف بر میزان ضرورت ترجمه افزوده است.

ترجمه در ایران تاریخ چندین پرسابقه‌ای ندارد. می‌توان اذعان داشت با تأسیس درالفنون و اعزام محصلین ایرانی به خارج از کشور کار ترجمه در ایران روبه فزونی نهاد تا اینکه در حال حاضر در اکثر زمینه‌های علمی و ادبی کتابها و مقالات بسیاری از زبانهای زنده دنیا به فارسی ترجمه

در یکی دو دهه اخیر، جامعه پزشکی ایران شاهد ترجمه و برگردان کتب و مقالات بسیار زیادی از زبانهای مختلف بخصوص زبان انگلیسی به زبان فارسی است که توسط دانشمندان، عالمان، فاضلان و بعضاً نوآموزان این رشته انجام شده است که به نوبه خود در خور ستایش است. اما از آنجا که هنر و فن ترجمه نیز همانند سایر علوم دارای اصول و قواعد ویژه‌ای است، بنابراین در این مقاله سعی شده است با نگاهی گذرا به هنر ترجمه، به بررسی کاربرد اصول آن پرداخته شود تا بعنوان برگ سبزی مدنظر اندیشمندان و همکاران علوم پزشکی قرار گیرد.

ترجمه واژه‌ای تازی است؛ و به معنی بیان کردن مطالب زبانی است به زبان دیگر؛ و از آنجاست که اسم فاعل از ترجمه مترجم است به معنی کسی که داننده دو زبان باشد که [سخن] صاحب یک زبان را به صاحب دیگر زبان بفهماند. بنابراین ترجمه و ترجمانی کاری است هنری که نغزتر و دشوارتر از نویسندگی است.

ترجمانی رفتاری هنری است که در دامنه طیفی به انجام می‌رسد: یک سوی این طیف ترجمه‌ای است که آنرا «واژه به واژه» یا تحت اللفظی می‌نامیم؛ سوی دیگر، ترجمه‌ای است که آنرا «آزاد» خوانده‌اند. ترجمه شایسته و شیوا ترجمه‌ایست که در میانه طیف جای گرفته باشد. به سخنی دیگر، آنچنانکه می‌سزد، هم ریختگرایانه باشد، هم معناگرایانه: ترجمه‌ای که در آن پیکره و اندرونه همسنگ و همتراز یکدیگر باشند؛ و یکی دیگری را نرانده باشد (۱).

منظور از ریختگرایانه که در بالا آمده است

می‌شود.

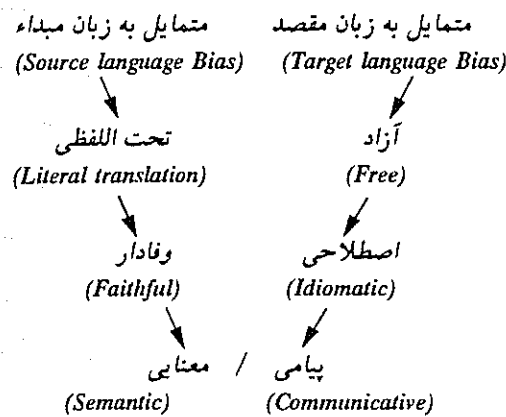
تصریف ترجمه و انواع آن:

دیدگاه‌های مختلفی در ترجمه وجود دارد و تعاریف گوناگونی از آن به عمل آمده است. امروزه بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که مترجم خوب کسی است که به زبان مبدا (زبانی که از آن ترجمه می‌شود) و زبان مقصد (زبانی که به آن ترجمه می‌شود) و موضوع متن مورد ترجمه احاطه داشته باشد همچنین «ترجمه خوب را ترجمه‌ای می‌دانند که در آن مترجم دانسته باشد برای متن زبان مبدا نزدیکترین و مصطلح‌ترین معادل را در زبان مقصد بیابد. در چنین ترجمه‌ای نخست، انتقال درست معنا مهم شمرده می‌شود، سپس رعایت سبک» (۳).

برای نمونه، وقتی در ترجمه "He suffers from pneumonia" بنویسیم: «او از ذات‌الریه رنج می‌برد» در حقیقت نزدیکترین معادل را یافته‌ایم، اما این معادل خود مصطلح‌ترین معادل در فارسی نیست. ما غالباً همین مفهوم را با استفاده از قالب معنایی دیگری بیان می‌کنیم: «او مبتلا به ذات‌الریه است.» رعایت سبک و شیوه بیان متن مبدا در ترجمه غالباً بسیار دشوار است و باید گفت که «هرگاه در ترجمه متون علمی مترجم نتواند شیوه بیان متن مبدا را در ترجمه رعایت کند، بهتر است که تنها به انتقال صحیح معنا اکتفا کند، نه آنکه معنا را فدای سبک کند.» (۴).

ترجمه «جایگزینی مواد متنی در یک زبان (زبان مبدا) با مواد متنی معادل در زبان دیگر (زبان مقصد)» (۵).

ترجمه فن و حرفه‌ای است که طی آن سعی می‌شود یک پیام نوشتاری در زبانی را با همان پیام در زبان دیگر جایگزین بکنند. بر این اساس وی مدل زیر را در توصیف انواع ترجمه ارائه نمود:



ترجمه پیامی می‌کوشد تا بر خوانندگان خود تأثیری هرچه بیشتر مشابه با تأثیر وارده بر خوانندگان متن اصلی بگذارد. ترجمه معنایی سعی می‌کند تا آنجایی که ساختارهای معنایی و نحوی زبان مقصد اجازه می‌دهد عین معنای بافتی متن اصلی را ارائه کند. اکثر نوشته‌های غیرادبی، مطبوعاتی، کتابهای اطلاعاتی، کتابهای درسی، آگهیهای تبلیغاتی و تجاری و.... از جمله مواردی هستند که مناسب ترجمه پیامی هستند. برعکس، بیان اصلی که در آن زبان ویژه نویسنده به اندازه پیام اهمیت دارد، صرف‌نظر از نوع موضوع متن از قبیل فلسفی، مذهبی، سیاسی، علمی یا ادبی، احتیاج به ترجمه معنایی دارد (۶).

تأثیر ترجمه نادرست در زبان فارسی:

با انجام ترجمه گاهی واژه‌های بیگانه به ضرورت وارد زبان می‌شوند مثل سینما، رادیو،

□ آمادگی برای ترجمه:

علاوه بر تسلط بر زبان مادری و تسلط به زبان خارجی، توانایی تشخیص اختلافات هر دو زبان نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اینگونه اختلافات در مورد قواعد دستوری، محل کلمات در جمله، انواع جمله، تشبیهات و ضرب‌المثلها و... فراوان دیده می‌شود، مثل:

غلط = شماها آدم‌های تازه‌این؟ *You the new guys* -

صحیح = تازه وارد شماهائین؟

غلط = در رم مثل رمی‌ها باش *Do as Romans while in Rome* -

صحیح = خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو

غلط = مثل اسب می‌خورد *He eats like a horse* -

صحیح = مثل گاو می‌خورد

غلط = گویندگان مادری فارسی *Native speakers of farsi* -

صحیح = فارسی زبانان

ولی با وجود این اختلافات چون مترجم توجه کافی به مفاهیم کلی و روح مطلب و سبک نویسنده دارد، می‌تواند طوری یک متن را از زبان مقصد ترجمه کند که اصالت آن از بین نرود و اصل امانت رعایت شده باشد (۸).

□ تعادل ترجمه‌ها و اجزای آن:

وظیفه مترجم عبارتست از فراهم آوردن شرایط و مهیا کردن زمینه‌ای که در آن نویسنده متن اصلی و خواننده زبان مقصد بتوانند با یکدیگر به تعامل و تأثیر متقابل بپردازند و چنین شرایط و زمینه‌ای موقعی مهیا می‌شود که متن زبان مقصد از نظر ارزش ارتباطی با متن زبان مبدا «معادل» و یکسان باشد. عوامل مؤثر بر ارزش ارتباط یک متن ۸ مقوله الف) واژگان (*Vocabulary*) ب) ساختار (*Structure*) ج) بافتار (*Texture*) د) معنای جمله

تلویزیون و غیره که اجتناب‌ناپذیر است. اما آنچه بطور مستقیم به زبان لطمه می‌زند و هرکس بعنوان یک فارسی زبان می‌تواند همت کند و جلو گسترش آنرا بگیرد ترجمه تحت‌اللفظی مفاهیمی است که معادل آنها در زبان ما وجود دارد و معمولاً توسط کسانی که در خارج تحصیل کرده‌اند و فارسی را از یاد برده‌اند یا از آغاز نمی‌دانسته‌اند و یا بر اساس تجددگرایی عمداً نمی‌خواهند در متون ترجمه شده از کلمات اصیل زبان مقصد (زبان مادری) استفاده کنند و رواج پیدا کرده است. مثل ترجمه "Did you take your tablet" «آیا قرصتان را گرفته‌اید؟» که «آیا قرصتان را خورده‌اید» به نظر صحیح‌تر و فارسی‌تر می‌آید. نکته مهم دیگری که بایستی در این قسمت مدنظر قرار گیرد امانت در ترجمه است که مترجم گاهی عمداً و گاهی سهواً در قسمتهایی از متن اصلی دست می‌برد. بدان صورت که کلمه، جمله یا بخشی را که برایش نامفهوم است حذف می‌کند و یا سهواً از آن می‌گذرد مثلاً در جمله: "He will play hookey this evening" با دیدن واژه *play* مترجم خود را از مراجعه به فرهنگ لغت بی‌نیاز دانسته و در برابر *to play hookey* بجای گریختن از مدرسه، در رفتن و یا جیم شدن معنی زیر را ارائه می‌دهد «امروز بعد از ظهر دزد بازی می‌کند». البته به منظور پیشگیری از بروز چنین موارد نادرستی، صاحب‌نظران تسلط به زبان مبدا و زبان مقصد و موضوع ترجمه را برای مترجم الزامی دانسته‌اند (۷).

معنای کلام (Sentence meaning and Utterance)
 (meaning) ه) گونه‌های زبانی (Language varieties)
 و) پیش تصورات (Presuppositions) ز) تأثیر ادراکی (Cognitive effect) و ح) تأثیر ادبی (Aesthetic effect) است که بایستی در ارزیابی اعتبار معادلهای ترجمه‌ای در نظر گرفته شود و در این مقاله به توضیح سه مقوله اول که مهمترین پرداخته می‌شود.

الف) واژگان:

مترجم در حد واسطه متن مبدا و متن مقصد قرار دارد و سعی می‌کند بطور فعال و خلاق برای عناصر متنی زبان مبدا معادلهایی در زبان مقصد پیدا کند که از عهده ترجمه ماشینی خارج است در این راستا بایستی شرایط حاکم بر تعادل واژگانی یعنی معنای ارجاعی، معنای تجربی، آحاد معنایی، معنای همایشی، معنای تقابلی یا جانیشینی، معنای ضمنی و پیش تصورات را مدنظر قرار دهد و واژه‌ای را در زبان مقصد به عنوان معادل آن واژه در زبان مبدا برگزیند که منعکس‌کننده همان شرایط در زبان مقصد باشد.

معنای ارجاعی - معنای ملموس و بنیادی هر واژه‌ای است و مترجم باید ببیند که آیا واژه مبدا و معادل ترجمه‌ای آن هر دو در جهان خارج و فیزیکی دارای مرجع یکسانی هستند یا خیر مثل درخت = Tree و کتاب = Book

معنای تجربی - لایه معنایی دیگری است که در اثر تجربه و کاربرد به دور هر واژه هاله می‌زند. مثلاً دو واژه انگلیسی *retort* و *answer* از نظر معنای ارجاعی یکسان می‌باشند (= پاسخ دادن) در حالی که یک لایه معنایی که نشان دهنده نحوه

«پاسخ دادن» می‌باشد (= عصبانیت) به عنوان معنای تجربی همراه *retort* است که *answer* فاقد آن است.

آحاد معنایی - به آن معنی است که مثلاً انواع لغات آشپزی رایج در زبان انگلیسی با توجه به آحاد معنایی‌شان، زبان فارسی فاقد واژه‌های معادل برای برخی از آنهاست. در مورد *to deep fry* واژه «سرخ کردن» داریم که فاقد معنایی «روغن فراوان» است. و در مورد *to poach* «آب پز کردن» داریم که عیناً معادل واژه انگلیسی نیست زیرا در «آب پز کردن» تخم مرغ را با پوستش در داخل آب می‌جوشانند در حالی که در «*poach*» تخم مرغ خام بدون پوست را در داخل آبی که در حالت جوش آرام است می‌اندازند و می‌پزند.

معنای همایشی - به عنوان معنایی است که یک واژه در سایه معانی واژه‌هایی که می‌توانند با آن بیابند، پیدا می‌کند. به عنوان مثال، واژه «فاسد» در زبان فارسی را در نظر می‌گیریم. این کلمه می‌تواند با انواع کلمات در زبان فارسی همایی داشته باشد اما تفاوتی در معادلهای انگلیسی هر یک از آنها وجود دارد که از تفاوت در ناهمگونی ویژگیهای همایشی عناصر واژگانی در دو سیستم زبان انگلیسی و فارسی ناشی می‌شود:
 غذای فاسد = *spoiled food* میوه فاسد = *rotten fruit*
 دندان فاسد = *decayed tooth* تخم مرغ فاسد = *addled egg*
 آب فاسد = *stagnant/fetid water* کره فاسد = *rancid butter*
 حکمران فاسد = *corrupt ruler*

به عبارت دیگر بدون توجه به بافت و موقعیت کاربردی نمی‌توان گفت که معادل انگلیسی مثلاً واژه «فاسد» چه می‌شود.

معنای تقابلی - یکی از روابط جانیشینی بین واژه‌ها

ترجمه‌ای واژه‌ها بایستی رعایت شود که عبارتند از:

الف) رعایت اصل یکنواختی در انتخاب معادل

ب) رعایت اصول واژه‌سازی زبان مقصد به هنگام وضع معادل برای مفاهیم نو

ج) رعایت اصل مقبولیت سیاقی (واژه مقبولیت حرفه‌ای داشته باشد) (۹، ۱۰، ۱۱)

ب) عناصر ساختار و مترجم:

مترجم باید علاوه بر واژگان زبان مبدا، ساختار آن را نیز مورد توجه قرار دهد مثلاً:

او مچ پایش را پیچ داد = *He twisted his ankle*
در ترجمه فارسی جمله فوق، رعایت عناصر ساختاری زبان انگلیسی منجر به ترجمه‌ای شده است که در زبان فارسی مقبول نمی‌باشد ولی جمله «مچ پایش در رفت» از نظر ساختاری در زبان فارسی صحیح‌تر است.

در طول ترجمه، مترجم باید مراقب جای صفت و موصوف (دیوار بلند = *tall wall*) جای فعل و فاعل در دو زبان (علی سیب را خورد = *Ali ate the apple*)، مطابقت فعل و ضمیر (من / ما می‌رویم *I/We go*)، مطابقت افعال مجهول و گاهی تبدیل آن به فعل معلوم در زبان فارسی (غلط = بیمار توسط پزشک ویزیت شده است).

The patient has been visited by the doctor

صحیح = پزشک بیمار را معاینه کرده است)

توجه به زمان افعال در متن مبدا و معادل‌یابی برای آنها در متن مقصد و بطور کلی برابریابی دستوری باشد (۸).

«تقابل» است و مترجم باید این رابطه را بخصوص در مورد واژه‌های به اصطلاح «هم‌معنا» مدنظر داشته باشد. مثلاً *Superficial* در مقابل هر دو واژه *deep* و *profound* قرار دارد ولی *shallow* تنها در مقابل *deep* قرار می‌گیرد.

معنای ضمنی و پیش‌تصورات - مثال زیر را در نظر بگیرید:

The two prime ministers also held talks over the future of the territory.

واژه "territory" اشاره به «هنگ کنگ» دارد که نخست وزیران کشورهای انگلیس و چین درباره آینده آن به مذاکره می‌نشینند. این واژه دارای این معنای ضمنی است که «هنگ کنگ» کشور مستقلی نیست و لذا انتخاب واژه «کشور» به عنوان معادل ترجمه‌ای برای واژه *territory* از نظر معنای ضمنی غیرقابل قبول خواهد بود.

□ ساختار عناصر واژگانی:

گاهی معادل ترجمه‌ای عناصر واژگانی در دو زبان از نظر تعداد کلمات سازنده آنها با هم فرق می‌کند مثلاً کلمه *euphemism* انگلیسی در فارسی به «حسن تعبیر» ترجمه می‌شود. گاهی صورت فعلی بدون زمان (حالت وضعی) در زبان انگلیسی در فارسی به صورت فعل کامل (زماندار) ترجمه می‌شود:

اگر کلیتر صحبت بکنیم *Broadly speaking*

پیش از آنکه سعی کنیم *Before attempting*

گاهی ممکن است معادل ترجمه‌ای عناصر واژگانی در فارسی و انگلیسی از نظر مفرد و جمع بودن با هم معادل نباشند: اطلاعات = *Information*
بطور کلی چند نکته در مورد انتخاب معادل

ج] بافتار متر و مترجم:

بافتار برعکس ساختار که عناصر ساختاری درون جمله را بررسی می‌کند ساختمان متن و روابط حاکم بر جملات یک متن را شامل می‌شود که در آن باید انسجام متن، نوع سخن، خصوصیات شبه زبانی مدنظر قرار گیرند. بطور کلی می‌توان چنین بیان نمود که اولویت شرایط تعادل ترجمه‌ای در متون علمی (خصوصاً پزشکی) معادل یابی وازگانی است، زیرا عناصر وازگانی قسمتی از ارزش لغوی خود را (علاوه بر سایر عوامل درون زبانی و برون زبانی) از سیاق متن مربوطه می‌گیرند و اگر مترجم در جریان ترجمه بدون توجه به سیاق، برای واژه‌ها معادل‌های ترجمه‌ای بیاورد کار وی منجر به پیدایش متنی خواهد شد که توسط متخصصین مربوطه قابل فهم نخواهد بود (۹ و ۱۲).

نهایت اینکه مترجم متون پزشکی باید از خود سوال کند که آیا بهتر نیست به جای انتخاب خود کلمات از متن اصلی با حروف فارسی مانند کرامپ، کسترست، اندیکاسیون، آتروفیک، ریسک فاکتور، کانسر، درناژ، رتروگراد، رادیوتراپی، کموتراپی، ایدیوپاتیک، اولسر، پیس میکر، پروسیجر، اسکراب، بیولوژیک و هزاران هزار واژه دیگر که در متون ترجمه شده فعلی وجود دارند؛ با اندکی سعی، معادل فارسی آنها را یافته و جایگزین نماید؟ معادلی که هم به زبان فارسی غنا بخشد و هم مورد پسند علمای علم پزشکی قرار گیرد. در این راستا، به نظر می‌رسد تصویب دستورالعمل سراسری کاربرد معادل‌های فارسی موجود در متن ترجمه شده

باعث تعادل وازگانی و یکنواخت شدن حاصل کار ترجمه متون پزشکی در کشور شود.

□ منابع

- ۱ - کزازی، دکتر میرجلال الدین. ترجمانی و تریبانی، انتشارات جامی، ۱۳۷۴.
- ۲ - نجفی، ابوالحسن. مبانی زبان‌شناسی، انتشارات نیلوفر، تهران، ۱۳۷۳.
3. Nida, E.A. *The theory & practice of translation*. Leiden, United Bible Societies, 1974
- ۴ - فرح زاده، فرزانه. نخستین درسهای ترجمه، مرکز نشر دانشگاهی تهران، ۱۳۷۳.
5. Catford, C.A. *Linguistic theory of London*. Oxford university press, translation, 1975
6. New mark, Peter. *Approches to translation*. Fourth edition. Prentice Hall Co, 1988
- ۷ - صفارزاده، طاهره. اصول و مبانی ترجمه، مرکز انتشارات علمی و دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۸ - بازارکاری، دکتر علاءالدین. فن ترجمه انگلیسی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- ۹ - لطنی پور ساعدی، دکتر خانلم. درآمدی بر اصول و روش ترجمه، مرکز نشر دانشگاهی تهران، ۱۳۷۴.
10. Bassnett, MC. *Guire. Translation studies*. prentical Hall Co, 1980
11. Jakobson, R. *Linguistic Aspects of translation*. Harvard university press, 1975
12. Sultana, N. *The translation of literary texts*. New Delhi, March, 1984.